

مروری کوتاه بر زندگی و زمانه مرحوم آیت‌الله واعظطیسی ^(ره)

۸۰ سال در خراسان

آیت‌الله «عباس واعظطیسی» یکی از روحانیون مبارز و انقلابی مشهد بود که همراه با حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و شهید «هاشمی‌نژاد» مثلث مبارزه با رژیم پهلوی در مشهد را تشکیل می‌دادند. وی که در طول مبارزه در مجموع ۶ بار دستگیر و زندانی شد ارتباط نزدیکی با نهضت امام خمینی(ره) داشت و پس از انقلاب اسلامی نیز مسؤولیت‌های اجرایی فراوانی به ایشان محول شد.

■ **تولد و تحصیلات مقدماتی**

به گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آیت‌الله عباس واعظطیسی، بهمن‌ماه ۱۳۱۴ در خانواده‌ای مذهبی در مشهد مقدس متولد شد. پدرش، آیت‌الله «غلامرضا واعظطیسی» از روحانیون تأثیرگذار زمان خود و از مبلغان طراز اول کشور و یکی از خطبا و سخنوران توانا و زاهد مشهد به شمار می‌آمد به طوری که امام خمینی(ره) درباره ایشان فرمودند: «چه بسیار افرادی غیرمسلمان بودند که تحت تأثیر منطق و کلام مؤثر و پرجاذبه او به اسلام مشرف شدند و او در کشورهای عربی موقعیت ویژه‌ای داشت». آیت‌الله طیسی که در یک سالگی پدرش را از دست داده بود، دوران کودکی را با سرپرستی مادر پشت سر گذاشت. وی دوره ابتدایی و بخشی از متوسطه را در مشهد گذراند و سپس در آستانه نوجوانی به تحصیل علوم اسلامی علاقمند شد، بنابراین در ۱۶ سالگی به حوزه علمیه مشهد وارد شد و دروس مقدماتی و دوره‌های «سطح» و «خارج» را به طور جدی دنبال کرد و تحصیلات حوزوی را در محضر اساتید برجسته‌ای چون شیخ «محمدتقی ادیب‌نیشابوری»، «میرزا احمد مدرس‌یزدی»، «حاج شیخ مجتبی قزوینی»، «حاج شیخ هاشم قزوینی» و مراجع تقلید از جمله «آیت‌الله‌الظمی سیدمحمدهادی میلاتی»، «آیت‌الله‌الظمی فقیه‌سبزواری» و «آیت‌الله‌الظمی بروجردی» گذراند. «آیت‌الله‌الظمی بروجردی» وی را طلبه‌ای خوش فکر و به عنوان زبان حوزه‌های علمیه دانسته و با تقدیر و تفقد از او نام می‌برد.

آیت‌الله واعظطیسی از سن ۱۳– ۱۲ سالگی با سیاست آشنا بود و در دبیرستان یا حوزه علمیه مسائل سیاسی را دنبال و مطرح می‌کرد. گفته می‌شود یکی از مسائلی که تصمیم به مبارزه را در وی تقویت کرد آشنایی با شهید نواب صفوی بود.^(۱)

■ **آغاز علنی مبارزات علیه رژیم پهلوی به همراه مقام معظم رهبری**

چنانکه گفته شد آشنایی آیت‌الله واعظطیسی با شهید «نواب‌صفوی» در آغاز دهه ۳۰، باعث به وجود آمدن روحیه‌ای قوی برای مبارزه با رژیم پهلوی در او شد به طوری که وی در سخنرانی‌های متعدد به مخالفت با رژیم پهلوی پرداخت و در آگاهی‌بخشی به مردم مشهد و آفشارگری و مبارزه با رژیم نقش اساسی داشت. به موجب این تلاش‌ها و سخنرانی‌ها آیت‌الله واعظطیسی چندین‌بار تا زمان پیروزی انقلاب ممنوع‌المنبر و زندانی شد اما وی به این امر بی‌توجه بود و باز هم به مبارزات خود ادامه داد.^(۲)

آیت‌الله طیسی – چنانکه خود می‌گفت– کار مبارزه را در سال‌های نخست به تنهایی دنبال می‌کرد اما با استقرار مقام معظم رهبری و پس از مدتی شهید هاشمی‌نژاد در مشهد، گروهی ۳ نفره تشکیل شد که اعضای آن قسم یاد کردند تا برقراری حاکمیت اسلام راه مبارزه را با همکاری یکدیگر دنبال کرده و همواره از امام(ره) به عنوان رهبر و مرجع اعلم، جانبداری کنند.

آیت‌الله واعظطیسی خود در این‌باره می‌گوید: «مبارزه علنی بنده و جمع دوستان تقریباً از سال ۱۳۳۵ شروع شد، در آن موقع برادرمان جناب آقای خامنه‌ای در مشهد تشریف نداشتند و شهید هاشمی‌نژاد هم در قم بودند بنابراین در آن زمان من تنها بودم و خیلی سخت می‌گذشت. بعدها با پیوستن این ۲ بزرگوار، محور واحدی را در خراسان تشکیل دادیم. اوایل، نشست‌های‌مان از هم جدا بود اما بعداً تصمیم گرفتیم مرکزیتی داشته باشیم».^(۳)

بدین ترتیب با همکاری آیت‌الله طیسی، مقام معظم رهبری و شهید سیدعبدالله‌کریم هاشمی‌نژاد،اندیشه‌امام خمینی(ره) برای مردم خراسان شناسانده شد و در همین راستا او برای نخستین بار در یک سخنرانی در مسجد «حاج ملاهاشم»، امام(ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که با اعتراض سلاواک روبه‌رو شد، در حدی که او را دستگیر و روانه زندان کردند.

■ **دستگیری و ممنوع‌المنبر شدن طی سال‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی**

آیت‌الله واعظطیسی در طول سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۰ بارها در سخنرانی‌های افشارگرانه خود، به رژیم شاه حمله کرد. ۱۴ تیرماه ۱۳۴۰ به علت سخنرانی در سرای محمدیه مشهد درباره عدل زمامداران مورد اعتراض ساواک قرار گرفت. مأموران امنیتی شاه، جلسه سخنرانی وی را تعطیل و او را به مدت ۷ ماه ممنوع‌المنبر کردند تا اینکه فشار مردم، این ممنوعیت را لغو کرد. پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و رفراندوم شاه، آیت‌الله طیسی سال ۴۱، به دنبال ایراد چند سخنرانی دستگیر و پس از چند روز به زندانی در تهران منتقل شد و پس از آزادی از زندان به خراسان مراجعت کرد و با ایراد سخنرانی‌های افشارگرانه به مبارزه با رژیم پهلوی ادامه داد.^(۴)

فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله واعظطیسی در فروردین ۴۲ موجب شد در کمیسیون امنیت مشهد دستگیری مجدد ایشان مطرح شود. وی در یک سخنرانی در روز شهادت امام صادق(ع) آمریکا را مورد حمله قرار داد و گفت: «امریکایی‌ها و اجانب ما را متحرف کرده و زنان و دختران ما را به سوی نیستی می‌کشاند. ما اگر ببینیم خائنین مملکت یا آشوبگران در جایی پیشرفت کرده و قصد اختلا دارند، باید از مملکت دفاع کنیم». بدین ترتیب شهریهائی مشهد روز ۵ فروردین وی و «شیخ حسن کافی» را دستگیر و به ساواک تحویل داد.^(۵)

■ **فعالیت‌های انقلابی آیت‌الله واعظطیسی پس از ۱۵ خرداد**

آیت‌الله واعظطیسی یکی از روحانیون فعال در قیام ۱۵ خرداد مشهد بود به همین خاطر توسط ساواک این شهر مورد تعقیب قرار گرفته و بازداشت شد اما پس از مدتی آزاد شد و بار دیگر مبارزه را از سر گرفت. وی ۲۸ فروردین ۱۳۴۳ در سفر به قم و بیعت با حضرت امام خمینی(ره) به نمایندگی از حوزه علمیه مشهد، در حضور امام(ره) به سخنرانی پرداخت و پس از این سخنرانی در راه‌آهن قم بازداشت و به زندان قزل قلعه منتقل شد. علاوه بر این ساواک دلیل دستگیری او را سخنرانی شدیدالحن وی درباره سرمقاله روزنامه اطلاعات مینی بر موافقت روحانیت با دولت اعلام کرد. بازداشت آیت‌الله طیسی حدود ۴ ماه به طول انجامید تا اینکه نیمه مرداد ۱۳۴۳ آزاد شد و بلافاصله پس از آزادی به قم رفته و به حضور حضرت امام(ره) رسید.^(۶) مبارزات آیت‌الله واعظطیسی در دهه ۵۰ نیز همچنان ادامه داشت. ۲۶ خرداد ۱۳۵۴ حدود ۲۰۰ تن از طلاب مدارس گوناگون مشهد در مدرسه میرزاجعفر گرد هم آمده و شعارهایی در حمایت از امام(ره) (سر دادند لذا سلاواک با بازداشت ۱۰ تن از طلاب تلاش کرد این حرکت را خاموش کند. در این میان آیت‌الله واعظطیسی به عنوان «فعالیت‌مضره و تحریک



گفتارهای صریح آیت‌الله واعظ طیسی در سال ۸۸

سران فتنه محاربند

مادامی که رهبری ما از سلامت کامل و نشاط و شادابی کامل برخوردار است و از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار است، او خواهد توانست گره‌های کور را باز کند. او خواهد توانست دشمن ما را سر جای خود بنشاند. آقایان علما و روحانیون، نویسندگان و شعرا و کسانی که اهل سخنند و اهل قلم، بیش از گذشته باید در کنار رهبر و همصدا با رهبر و مشی و حرکت در چارچوب سیاست‌هایی که رهبری معظم انقلاب ترسیم می‌کنند، قرار بگیرند. امروز بر هیچکس سکوت جایز نیست، با صراحت و با شجاعت و با لهجه‌ای صادق باید وارد میدان شد. امروز، روز تسامح و مجامله و مبهم‌گویی نیست. امروز کسانی که فکر آنها، روش آنها، مشاای آنها در جامعه مؤثر است، حتماً باید با صراحت از دشمن تبری کنند و از دوست حمایت کنند.^(۱)

■ **اینها نقش رهبری است**

.. امروز اگر در این کشور در سطح بالا و تصمیم‌گیرنده، اینکه همه خود را موظف می‌دانند در چارچوب قانون عمل بکنند و توجه دارند که شکستن حریم قانون چه آثر و تبعاتی دارد، اینکه همه سعی می‌کنند در نشستن پای میز مذاکره با سیاستمداران جهان از موضع عزت و حکمت و استننا سخن بگویند، اینکه– بخوابیم یا نخوابیم – ارتباط با مردم و کار برای مردم در مدیریت جامعه ما یک افتخار محسوب می‌شود و یک شعار و وسیله‌ای برای برنده شدن در انتخابات است، اینها همه نقش رهبری را در شکل‌گیری نظام و تداوم نظام و اجرای سیاست‌های اصولی نظام نشان می‌دهد.^(۲)

■ **امانت‌الهی**

.. اولین چیزی که باید یک مدیر و یک مسؤول به عنوان یک امانت و یک سپرده الهی به آن فرد نگرد، بحث انطباق همه کارهایی که در حوزه مسؤولیت اوست با مبانی نظام است. روشن است که محور نظام هم رهبری و امام جامعه اسلامی است. بنابراین مشی ما، حرکت ما، رفتار و کردار ما در حوزه مسؤولیت‌مان کلاماً ضمن انطباق با این مبانی، باید با الگوبرداری از رفتار و تدبیر رهبری نظام باشد.^(۳)

■ **حکم محارب در دستگناه قضایی ما مشخص است**

این جریانی که اتفاق افتاد – در انتخابات و بعد از انتخابات – یک جریان متکی به یک فرد و ۲ فرد نیست، یک جریان فکری و سیاسی کار شده است. شاید از ۲ سال قبل از انتخابات، عدای متأسفانه با تحلیل غلط نفهمیدند و ندانستند و هنوز هم نمی‌دانند و نمی‌فهمند– البته بعضی از آنان – در خدمت چه گروهی و چه جریانی قرار گرفته‌اند، نمی‌دانند اتفاقی فکر بیگانگان آنان را تغذیه فکری می‌کنند. اگر می‌دانستند، اگر به خدا معتقد نبودند و دنبال قدرت خودشان هم بودند، ایجاب می‌کرد قبل از این حادثه به آغوش ملت بازگردند، اعلام تنفر و انزجار کنند از این حرکات، از این شعارها، چگونه ممکن است مسلمانی، یک‌چهره مسلمان سیاستمدار باتجربه‌ای ببیند گروهی باشعار جمهوری ایرانی وارد مبارزه می‌شوند و سکوت بکنند؟ چگونه ممکن است یک‌چهره معتقد به اسلام و نظام اسلامی و آشنا با مسائل فکری اسلام، شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه را بشنود و تحمل بکند؟.. امروز، روز تسامح و مجامله و مبهم‌گویی نیست. امروز باید کسانی که فکر آنها، روش آنها، مشای آنها در جامعه مؤثر است، حتماً با صراحت از دشمن تبری کنند و از دوست حمایت کنند. من به عنوان یک برادر کوچک همینجا عرض کنم، خدا می‌داند در انتخابات به‌رغم آن‌که من نظر رهبری معظم انقلاب را می‌دانستم اما با همان نگاه، به همه کسانی که خود را نامزد انتخابات کردند و اینجا به ملاقات ما آمدند و همچنین جناب آقای رئیس‌جمهور، آقای دکتر احمدی‌نژاد، همه آنها اینجا یکسان برخورد کردم. همچون یک قاضی که باید به همه به یک چشم نگاه بکند، ما به همه به یک چشم نگاه کردیم… من را به عنوان یک برادر اگر قبول دارید، برادر، اگر دوست قبول دارید، دوست، اگر نه، رابطه دوستی ما بهم، ریخته که حرفی نیست، من به عنوان یک مشاور خیرخواه به شما می‌گویم: امروز دیگر اگر نینامید، دیر شده. امروز به حسین (علیه‌السلام) اهانت شده، به خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) اهانت کردند، به مراسم بزرگداشت شعائر دینی ما اهانت کردند. امروز به امام جامعه که محور نظام جمهوری اسلامی است، اهانت شده. امروز روز سکوت نیست. باید نسبت به این حرکت ابراز تنفر و انزجار کنید، خود را در کنار رهبر و یار رهبر قرار دهید. شما، شد مردم نشان دادید دنیایی از صفا و اخلاص و ایمان و پاکی و صداقت و صفا و وفاداری هستید، در همه صحنه‌ها حضور داشتید و امروز هم حضور دارید، بدنه جامعه ما و ملت ما این است. اینها گروه اندکی هستند. مخاطب من کسانی‌اند که در مظان اتهامند، به آنها من عرض می‌کنم. امروز اگر ابراز انزجار و تنفر نکردید، امروز اگر از پیشگاه ملت عذرخواهی نکردید، امروز اگر برای ادای احترام و خضوع و عذر از گذشته، به محضر مبارک رهبر عظیم‌القدر انقلاب فشرقیاب نشدید، دیر خواهد شد. برادران و خواهران! دشمن می‌خواهد فضای جامعه ما روزبه‌روز ملتپه‌تر شود. دشمن می‌خواهد این وحدت و این انسجام و یکپارچگی را بهم بریزد. دقت کنید! جریان‌های سیاسی ۲ دسته‌اند، احزاب و گروه‌های سیاسی ۲ دسته‌اند: یک دسته کسانی که در مقابل نظامند، همچون منافقین، سلطنت‌طلبان و کسانی که سمپات و همراه با این جریان‌تدای بعضی از عناصر مجاهدین انقلاب، حساب اینها جناست، آنجایی که باید دفع کنیم، آنجایی که باید افشارگری کنیم، اینجاست.. بنده خودم معتقدم آن صحنه‌هایی که ما از تلویزیون دیدیم، اقلا سران این فتنه و کسانی محاربند که این حرکت را رهبری می‌کردند، قطعاً و حکم محارب در دستگناه قضایی ما مشخص است. آن‌شاه‌لّه بر‌خورد مناسب و شایسته و مطمئناً در شأن نظام اسلامی و وظیفه اسلامی ما انجام خواهد شد. ^(۴)

پی‌نوشت

- **بیانات در مراسم افتتاح مجتمع چاپ و نشر قدس، ۸۸/۳/۲۵**
- **دیدار با بسیجیان در هفته بسیج، ۸۸/۹/۲**
- **دیدار با نایب رئیس مجلس و نمایندگان خراسان به مناسبت روز مجلس، ۸۸/۹/۹**
- **مراسم افتتاح مرکز بین‌المللی چاپ و نشر قرآن کریم با حضور آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، ۸۸/۹/۱۴**
- **سخنرانی در مراسم اعطای احکام خدام بارگه رضوی، ۸۸/۹/۱۶**
- **سخنرانی در جمع مردم معترض به هتک حرمت عاشورای حسینی، ۸۸/۱۰/۸**
- **دیدار با شورای هماهنگی تبلیغات و ستاد دهه فجر استان، ۸۸/۱۰/۲۸**
- **دیدار با شهردار و معاونان شهردار، ۸۸/۱۱/۷**
- **سخنرانی در جمع مردم معترض به هتک حرمت عاشورای حسینی، ۸۸/۱۰/۸**

آیت‌الله عباس واعظطیسی که از آغازین روزهای شکل‌گیری انقلاب اسلامی، همراه امام راحل عظیم‌الشأن و رهبر حکیم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی بود، همواره در سال‌های متوالی در گفتارهای مختلف ضمن تبیین جایگاه امامت و ولایت و ولایت فقیه در اندیشه ناب اسلامی، بر ضرورت تبعیت از ولی فقیه زمان تأکید داشت و در برهه حساس فتنه ۸۸ نیز مطالب مهمی را در این زمینه مطرح کرد که در زیر به بازخوانی آنها می‌پردازیم.

■ **آورده‌های نظام، نتیجه رهبری**

جداً معتقدم آنچه انجام گرفته – که بسیار انجام گرفته – اینها مربوط به هیچ کس نیست، آورده‌های نظام اسلامی است، نتیجه‌حمایت و پشتیبانی ملت بزرگ ماست، نتیجه رهبری حکیمانه امامت جامعه اسلامی است. چه در دوران امام و چه در دوران مدیریت مقام معظم رهبری که پیچیدگی‌های خاصی هم در این دوره وجود داشت.^(۱)

■ **اگر رهبری نبود**

.. اگر رهبری و امامت جامعه اسلامی، اقتدار و علم و ایمان و شناخت و نفوذ معنوی و رابطه عمیق فکری و عاطفی با جامعه نداشت، انقلاب به وجود نمی‌آمد و اگر نقش رهبری نبود، اگر قدرت معنوی رهبری نبود، اگر جاذبه رهبری نبود و ارتباط قلبی و عاطفی و فکری و اعتقادی بین رهبری و جامعه اسلامی نبود، قطعاً انقلاب استمرار نمی‌یافت، اینکه ما در دفاع مقدس و جنگ گرم پیروز شدیم، تحولی در تاریخ جامعه بشری ایجاد شد، دنیا در مقابل عظمت ملت ایران سر خضوع بر زمین نهاد، اینکه در تاریخ برگ زرینی به عنوان انعکاس دنیایی از اخلاص، پایداری و مقاومت و احساس استقلال و هویت و خودباوری ثبت کرد، همه و همه نقش تعیین‌کننده و محوری رهبری است. نگاه ما و نگاه بسپح و نگاه ملت ما بر رهبر ماست. حرکت سیاسی ما در همان مسیری است که رهبری برای ما ترسیم کرده‌اند. هر جریانی که مورد حمایت و تأیید رهبر ما باشد، مورد حمایت و تأیید ماست. کسانی که در برابر نظام – به مفهوم علم کلمه – در برابر قانون اساسی، در برابر رهبری، موضع آنها موضع تعارض و تضاد است، در برابر آنها هیچ گذشتی نشان نداده و نشان نمی‌دهیم، ملت ما نظام ما در پرتو رهبری داهیانه و مدبرانه رهبر معظم انقلاب و در پناه وحدت، یکپارچگی، انسجام و برادری همه جریان‌های فکری در خدمت نظام، این انقلاب به یاری خدا تضمین شده است و خواهیم دید و اگر ما نباشیم، خواهند دید که این انقلابی است که زمینه تشرف جامعه بشری را محضر مقدس بقیه‌الله الاعظم روحی فداه‌ان‌شاه‌الله فراهم خواهد کرد.^(۲)

■ **تدبیر هوشمندانه**

.. باید بحق بپذیریم که در همان جایگاه امامت و رهبری، هم امام راحل (رضوان‌الله تعالی علیه) و هم مقام معظم رهبری، خیلی با تدبیر و روش‌ها و شیوه‌های حکیمانه برای این مقاطع پر پیچ و خم سیاسی و اقتصادی تدبیری هوشمندانه اندیشیدند و ما را به آن سمت و سویی که تکلیف ماست و مصالح ملی ما و مصالح نظام ما ایجاب می‌کند، هدایت کردند.. امروز به نظر من هر گونه سکوتی در برابر دفاع از این عناصر اصلی نظام – که اسلام و ایمان و رهبری است– ظلم به مصالح ملی است، نه ظلم به نظام اسلامی، آن جناست. در بسیاری از موارد ما نباید بنگاریم رهبری بعضی از مسائلی که بر عهده ماست، مطرح بکند.^(۳)

■ **قدر رهبری را بدانیم**

.. دوستان عزیز! قدر‌ها تمام‌شدنی است. دیر یا زود ما می‌رویم، دیگران می‌آیند و مدیریت می‌کنند. نسل جوان و نوجوان ما می‌آیند و مدیریت می‌کنند. نگذاریم نسل آینده به ما دشنام بدهد. قدر نظام را در قدر قانون اساسی را در قدر رهبری معظم انقلاب را بدانیم. نقش رهبری را در انسجام و اتحاد فراموش نکنیم و کسانی که می‌خواهند این رابطه عاطفی و فکری و اعتقادی ما را با چنین نظام استوار و مستحکمی تضعیف کنند، با منطق، با استدلال، بردارانه به آنها پاسخ بدهیم. این تقاضای یک خادم کوچک حضرت رضا علیه‌السلام از این جلسه بود و از همه کسانی که صدای ما می‌شنوند.^(۴)

■ **دقت کنید آقایان**

.. نقش امام عادل و رهبری نظام اسلامی، همان نقش امام معصوم است، با این تفاوت که آن امام معصوم است و این امام عادل و امام عادل همه مبانی فکری و اعتقادی و روش و خط مشی سیاسی و اقتصادی را از آن منبع می‌گیرد و گرفته است. اگر رهبری نبود، اگر نفوذ رهبری نبود، اگر این ارتباط قوی فکری و عاطفی بین رهبری و جامعه اسلامی نبود، امروز سرنوشت‌دوران اسلامی چیز دیگری بود. من اگر بخواهم اشاره بکنم، به سخنان برادر عزیزمان، آقای سیدحسن نصرالله و جایگاه رهبری در لبنان در بین مسیحیان لبنانی و جریان حزب‌اللهی و غیرحزب‌اللهی، اگر به شما عرض بکنم که آقای شیخ عبید که در اسرائیل محکوم به زندان ابد بود، چه فشارهای روحی و جسمی بر او وارد کردند، اولین و آخرین و تمام سخنی که بازجویان با او مطرح می‌کردند، این بود که چرا این ارتباط عمیق، عاشقانه و صمیمانه بین شما و رهبری جمهوری اسلامی است؟ این نقش رهبری است.^(۵)

■ **سکوت جایز نیست**

.. امروز – به خصوص آمریکایی‌ها – خیلی تلاش کردند و تلاش می‌کنند نظام اسلامی را منزوی کنند اما خود آمریکایی‌ها می‌دانند ایران و جمهوری اسلامی ایران در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فکری و فرهنگی بزرگ‌ترین نقش را ایفا می‌کند. بدون حضور ایران و بدون استمداد از ایران، کار مؤثری نتوانستند و نمی‌توانند انجام بدهند. بیشترین تحریم‌های اقتصادی را بر ما تحمیل کردند، بیشترین فشار سیاسی را بر ما آوردند، کشور‌های همسایه ما را پیوسته علیه ما تحریک می‌کنند و می‌کردند اما سیاست ما و تدبیر ما که تدبیر رهبری و سیاست رهبری و سیاست امام جامعه اسلامی است، امروز بعد از امام هم سیاسی است که دشمن را در جای خود زمینگیر کرده است. بنده شاید از سن ۱۵-۱۶ سالگی در مسائل سیاسی و مبارزات حضور داشتم. تا امروز که حساب می‌کنم، به نظر من حوادثی که بعد از رحلت امام راحل رضوان‌الله تعالی علیه اتفاق افتاد، در دوران رهبری ولی امری جامعه اسلامی، بسیار حوادث سیاسی پیچیدهای بود. اگر نبود تدبیر حکیمانه رهبری، اگر نبود این توجه و تکیه به خدای رهبری، اگر نبود آن روح معنویتی که بر وجود ایشان حاکم است، اگر نبود آن شجاعت و صراحت لهجه و دشمن را خوار و ناچیز دیدن، امروز فضای جامعه ما چیز دیگری بود.. تردید نکنید، اگر تدبیر رهبری ایجاب بکند بر‌خورد دیگری را با این جریانات فکری ناسالم، او بر‌خورد خواهد کرد.. دشمن را بشناسیم، دشمن در عین آنکه حقیر است، اما مکر است، سیاستمدار است، ما نیز در برخورد با دشمن با سیاست اسلامی و تدبیری حکمت‌آمیز برخورد کنیم. بدانیم

